یادداشت روز

برجام مسافرخانه نیست!

جو بایدن در حالی حدود ۱۰ روز دیگر ســـکان کاخ سفید را به دست می‌گیرد که با چالش‌های متعددی در خانه و بیرون روبه‌روست. اصلی‌ترین و مهم‌ترین چالش او و دولتش وضعیت پیچیده و شکننده داخلی آمریکاست. بایدن با اختلاف اندکی در انتخابات پیروز شد و ترامپ و هوادارانش هنوز هم حاضر به پذیرش شکست و انتقال آرام قدرت نیستند. حمله به کنگره یکی از نقاط عطف این ماجرا بود. تعداد قابل توجهی از مسئولان و تحلیلگران معتقدند قضیه حمله به کنگره پایان ماجرا نیست و ممکن است روزهای وخیم‌تری نیز در راه باشد. یکی از این روزها می‌تواند روز تحلیف رئیس‌جمهور جدید باشـــد که از هم اکنون تدابیر امنیتی فراوانی برای آن روز تدارک دیده شده و احتمال می‌رود نسبت به مراسمات قبلی بسیار متفاوت برگزار شود.

یکی از ده‌ها مسئله و چالش پیش روی بایدن، سیاست وی در برابر جمهوری اسلامی ایران است. ایران برای سیاست خارجی دولت آینده آمریکا، دربردارنده موضوعات متعددی است که هرکدام از اهمیت و فوریت خاص خود برخوردار است. فوری‌ترین موضوع در این دستور کار، توافق هسته‌ای است. بایدن بارها اعلام کرده خواهان بازگشت به برجام است و البته هربار نیز به صراحت تأکید کرده این بازگشت باید نقطه آغازی برای گسترش و تحکیم این توافق - بر اساس اهداف و منافع آمریکا- باشد. سه هدف اصلی و کلیدی آمریکا برای تجدیدنظر در برجام از این قرار است؛ تمدید بلندمدت و در صورت امکان نامحدود محدودیت‌های هسته‌ای در برجام، ایجاد محدودیت برای توان موشکی ایران و بالاخره مهار ایران در منطقه.

اما اینها گام‌های بعدی هســـتند. گام نخســـت متوقف کردن فعالیت‌های فرابرجامی ایران است. ایران یک سال پس از خروج آمریکا از برجام، به‌صورت گام به گام کاهش تعهدات هسته‌ای خود را آغاز کرد. این گام‌ها را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد. بخش اولیه تا پیش از تصویب قانون «اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها» بود. در این بخش گام‌هایی برداشته شد که از منظر راهبردی همان‌طور که قابل پیش‌بینی بود، تغییری در محاسبات آمریکا و اروپا ایجاد نکرد. نه دولت ترامپ برای خروج از برجام تحت فشار قرار گرفت و نه تروئیکای اروپایی برای عمل به تعهدات خود به صرافت افتادند. آغاز غنی‌سازی ۲۰ درصد پس از تصویب قانون مذکور، ماجرا را وارد فاز تازه‌ای کرد. این اقدام نخستین گام از سلسله گام‌هایی است که مهم‌ترین امتیازات طرف مقابل در برجام را زایل می‌کند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در سخنرانی روز ۱۹ دی راهبرد کشور درخصوص موضوع بازگشـــت آمریکا به برجام را به روشنی بیان کردند. یکی از اصلی‌ترین مفاد و پایه‌های این راهبرد، نداشتن اصرار و عجله است. به‌نظر نگارنده چنانچه این نکته به خوبی فهمیده شود، سایر نکات نیز جایگاه و کارکرد واقعی خود را می‌یابند. اصرار و عجله ایران در این خصوص، دقیقاً همان چیزی است که دولت آمریکا به آن نیاز دارد. حال آنکه در واقعیت ماجرا برعکس است. آنها هستند که باید زودتر تصمیم خود را بگیرند البته نه برای بازگشت به برجام بلکه برای رفع تحریم‌ها. چرا که گام‌های هسته‌ای بعدی ایران در راه است و در مقابل همان‌طور که مقامات ارشد دولت ترامپ هم به درستی اذعان کرده‌اند، دیگر چیز دندان‌گیری برای تحریم کردن و افزایش فشار تحریمی به ایران باقی نمانده است. نکته اینجاست که از منظر حقوقی و اخلاقی نیز ایران دست برتر را دارد، چرا که اولاً گام‌های ایران در واکنش به عدم پایبندی طرف مقابل است و ثانیاً اگر آنان واقعاً نگران فعالیت‌های هسته‌ای ایران هستند، چاره کار بســـیار روشن و واضح است؛ به قراردادی که سال ۱۳۹۴ خود امضا کردند، عمل کنند.

همان‌قدر که موضوع نداشتن اصرار و عجله برای ایران حیاتی و کلیدی است، برای طرف مقابل مسئله باز کردن پنجره مذاکراتی مهم و سرنوشت‌ساز است. هیچ اهمیتی ندارد که مذاکرات چگونه، برای چه، با چه ســـازوکاری و درباره چه موضوعی باشد. نفس باز کردن - ولو اندک- پنجره مذاکرات، به معنای واقعی کلمه آمریکا را به تمام اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدت خود خواهند رساند. بقیه مسیر شاید زمان‌بر و پر از مانع و چالش باشد اما دورنما برای آمریکایی‌ها کاملاً روشن و امیدوارکننده خواهد شد!.

یکـــی از نقاط زمانی مهم میان تقابل آمریکا با ایران، انتخابات ۱۴۰۰ ایران است. مواضع و برآوردهای آشکار و پنهان فراوانی وجود دارد که این نقطه برای آمریکایی‌ها مهم و قابل تأمل اســـت. کنت پولاک، کارشناس ارشد اندیشکده امریکن اینترپرایز و دیپلمات سابق آمریکا برای اهالی مسائل بین‌المللی چهره‌ای شناخته شده است. او سه روز پیش در مقاله‌ای تفصیلی نوشت: «حذف روحانی و محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه از صحنه سیاســـت داخلی ایران و جایگزینی آنها با تندروهـــا (بخوانید چهره‌های انقلابی) برای مذاکرات بین ایران و آمریکا مشکل‌ســـاز خواهد بود.» او در این مقاله نتیجه احتمالی انتخابات ۱۴۰۰ را یکی از چالش‌های مهم پیش روی دولت بایدن عنوان می‌کند. در چنین وضعیتی شـــروع هرگونه مذاکره می‌تواند بـــه تغییر صحنه به دلخواه آمریکایی‌ها منجر شود. داستان کاملاً روشن و ساده است. آن‌قدر که به تازگی یکی از روزنامه‌های اصلاح‌طلب علناً نوشـــت دولت بعدی آمریکا طوری عمل کند که به نیروهای خواهان مذاکره به آمریکا در ایران در انتخابات ۱۴۰۰ کمک شود!

تقلیل مسئله ایران و آمریکا به انتخابات پیش‌رو و استفاده از این کارت برای رقابت بر سر کرسی پاستور، چیزی در حد خیانت به منافع ملی کشور اســـت. ایجاد دوقطبی در این زمینه بسیار خطرناک و مضر است. شنیده شدن یک صدا در قبال دشمنی که در خصومت و رذالت هیچ حد و مرزی نمی‌شناسد، مسئله‌ای بسیار بدیهی و البته مهم است.

مســـئله مهم دیگری که در این میان وجود دارد آن است که بازگشـــت آمریکا به برجام نباید بدون هزینه باشـــد. جنس این هزینه می‌تواند متفاوت باشد؛ مثلاً جبران خسارت‌های مادی ایران به دلیل عدم پایبندی آمریکا به تعهدات خود و خروج از برجام و یا هزینه‌های سیاسی و حقوقی یا ترکیبی از اینها و چیزهای دیگر. اما نکته مهم و کلیدی نفس دریافت هزینه اســـت. شاید عده‌ای گمان کنند طرح این موضوع از سوی ایران مانع بازگشت آمریکا به برجام شده و توافق را به خطر می‌اندازد. اتفاقاً ماجرا برعکس است. آمریکایی‌ها باید بفهمند توافق هسته‌ای و میز ۱+۵ مسافرخانه‌ای کنار جاده نیســـت که هر وقت دوست داشتند به آن وارد شوند و چندی بعد هم خارج شـــوند و بار دیگر که گذارشان به آن‌طرف‌ها خورد به آن برگردند. بازگشت بدون هزینه آمریکا به برجام این خطر جدی را به همراه دارد که هر یک از اعضای ۱+۵ - از جمله دولت‌های بعدی آمریکا- تصور می‌کنند هر وقت بخواهند می‌توانند از توافق خارج شـــوند و هر وقت هم اراده کنند به راحتی و بدون هزینه به آن بازگردند. سلب حق استفاده از مکانیسم ماشه می‌تواند یکی از هزینه‌های سیاسی و حقوقی مناسب در این موضوع باشد که با توجه به خروج بی‌دلیل واشنگتن از توافق، کاملاً منطقی و قابل دفاع است.

نکته پایانـــی و مهم آنکه همان‌طور که رهبر معظم انقلاب نیز تأکید کردند سخنان احتمالی جو بایدن یا بیانیه وزیر خارجه این کشور مبنا و نشانه بازگشت آمریکا به برجام نیست. رفع عینی و عملی تحریم‌های غیرقانونی و ظالمانه علیه کشورمان در این مورد مبنای سنجش و قضاوت است. مسئله مهم و اساسی در این زمینه نقش کنگره آمریکاست. کنگره در وضع و گسترش تحریم‌ها علیه ایران نقشی بســـیار مخرب و کلیدی داشته و باید در لغو آن نیز نقش‌آفرین باشد. متأســـفانه به دلایل متعدد در مذاکرات برجام به این موضوع مهم توجه لازم نشـــده و البته عوارض منفی آن را نیز در عمل مشاهده کردیم. کنگره آمریکا طرف مقابل جمهوری اسلامی ایران در موضوع برجام نیست، این وظیفه دولت آمریکاست که سازوکارهای داخلی خود را با خط عملی سیاست خارجی‌اش هماهنگ و همراه کند. هرچند این احتمال نیز منتفی نیست که این عدم هماهنگی ظاهری، می‌تواند ناشی از یک هماهنگی پشت‌پرده در سیستم سیاسی آمریکا برای مواقع لازم باشد.

محمد صرفی

در نشست سخنگوی دولت

کیهان: به نظر شما عقل سیاسی ترامپ بیشتر است یا موسوی؟
ربیعی: این موضوع ربطی به ما ندارد

سرویس سیاسی-

سخنگوی دولت در پاسخ به سوال کیهان مبنی بر اینکه آیا عقل و درایت فردی مثل ترامپ در پذیرش شکست بیشتر بود یا نامزد شکست خورده انتخابات ۸۸ ؟ گفت: این موضع شـــما ربطی به جایگاه ســـخنگویی دولت ندارد.

علی ربیعی ســـخنگوی دولت روز گذشـــته (سه‌شـــنبه ۲۳ دی) در نشســـت خبری هفتگی خود با خبرنگاران که بـــه صورت مجازی برگزار شـــد، در واکنش به ســـوال خبرنـــگار کیهان مبنـــی بر اینکه «با توجه بـــه تحولات اخیر آمریکا به‌خصـــوص بعـــد از اعـــلام نتایج انتخابات رئیس‌جمهوری این کشور کـــه در نهایت منجر بـــه پذیرش شکســـت از ســـوی ترامپ شد، به نظـــر حضرتعالی عقـــل و درایت سیاســـی فردی مثل ترامپ بیشتر بود یا نامزد شکست خورده انتخابات سال ۸۸ کشورمان»، پاسخی نداد و بـــه بیان این جمله بســـنده کرد که: «این موضع شـــما ارتباطی با جایگاه سخنگویی دولت ندارد زیرا قرار اســـت من در ایـــن جایگاه به تبیین نقطه‌نظرات دولت درخصوص مهمترین اقدامـــات، تصمیمات و عملکردها بپردازم.»

ربیعی در حال پاســـخگویی به چنین ســـوالی را در حیطه وظایف سخنگویی دولت ندانست که طی ۷ سال گذشته یکی از پروژه‌ها اصلی و وعده‌های دولتمردان موضوع رفع حصر ســـران فتنه بوده است. نکته قابل تامل اینکه این سوال خبرنگار کیهـــان از دو روز قبـــل برای دفتر سخنگویی ارسال شـــده بود و به صورت بداهه مطرح نشده بود.

در جریان انتخابات ســـال ۸۸ میرحســـین موســـوی در اقدامی عجیب در حالی که هنوز رای‌گیری پایان نیافته بود مدعی شد او پیروز انتخابات است. وی ضمن امتناع از پذیرش شکســـت با بیانیه‌های پی در پـــی طرفدارانش را به حضور در خیابانها فرامی‌خواند و این رفتار وی از سوی جریان مدعی اصلاح‌طلبی حمایت شد که نتیجه آن ۸ ماه به آشوب کشـــاندن کشور و درگیری و جنگ خیابانی با خســـارت مادی هنگفت، ده‌ها کشته و زخمی، وارد شدن خسارت سنگین به حیثیت کشور و اعمال تحریم‌های ظالمانه آمریـــکا و اروپا بـــود. در امریکا اما دونالد ترامپ رئیس جمهور دیوانه و جنایتکار این کشور گرچه در ابتدا به نتیجه انتخابات معترض شد و در ادامه حتی هوادارانش را به حضور در انتخابات فرا خواند اما در نهایت شکست در انتخابات را پذیرفت و از همکاری برای انتقال قدرت سخن گفـــت و هوادارانش را به آرامش و بازگشـــت به خانه‌هایشـــان دعوت کرد و حمله به کنگره این کشـــور را محکوم کرد. این در حالی است که موســـوی هتاکان و آشوبگران روز عاشـــورای سال ۸۸ را مردمان خداجو خواند!

گرچه دور از انتظـــار نبود که طرح چنین سوالی به مذاق حامیان فتنه و برخی رسانه‌های زنجیره‌ای مدعی اصلاح‌طلبـــی خوش نیاید، برخی خبرنگاران اصلاح‌طلب ضمن عصبانیت از طرح چنین سوالی به انتشـــار تحریف‌آمیـــز آن همراه با توهین و فحاشـــی در شـــبکه‌های اجتماعی پرداختند.

نیازی به مذاکره مجدد برای برجام وجود ندارد

ربیعـــی ســـخنگوی دولت در ادامـــه این نشســـت در پاســـخ به سوال دیگری درخصوص چگونگی رفع تنش‌ها میـــان ایران و آمریکا، گفت: آنچه آمریکا باید انجام دهد توقف قانون‌شکنی و نقض تعهدات بین‌المللی و قطعنامه‌های شورای امنیت اســـت. ایـــن کار نیازی به مذاکره نـــدارد چون اجرای وظیفه یک کشـــور نباید موضوع مذاکره و بده‌بستان باشد.

ســـخنگوی دولت گفت: ایران بارهـــا اعلام کرده کـــه اگر آمریکا تعهداتش را انجام دهد و تحریم‌ها را رفع کند، ایران هم به اجرای کامل تعهدات خود بازخواهد گشت. این هم نیازی به مذاکره ندارد اما برخی کشورهای قبلی می‌خواهند مواردی که قبلاً مذاکره شـــده اســـت و در برجام آمده است را دوباره مذاکره کنند که چنین چیـــزی از نظر ما ممکن نیست.

ربیعی گفت: البته ایران، چین و روسیه صراحتاً مخالفت خودشان را با این موضوع اعلام کردند. اگر دولت بعدی آمریکا به تعهداتش عمل کند و روش‌های گذشته را کنار بگذارد امکان اینکه در چارچوب‌های قانونی به معنای اینکه زبان مشترکی بین ما پیدا شود، وجود دارد. ما نیازی به مذاکره نداریم، برگشت به تعهدات به طـــور متقابل نیازی به گفتگو و مذاکـــره ندارد و مـــواردی که قبلاً در مورد آنها بحث شده و ما حدود برجام را مشـــخص کردیم، اضافه کـــردن آنها بر برجام مورد قبول ما نیست و درخصوص این مسائل هم نیازی به مذاکره نداریم.

تعهدات طرف‌های برجام اجرا نشود، پروتکل الحاقی متوقف می‌شود

ربیعی در پاســـخ به ســـوالی درخصوص قانـــون اقدام راهبردی لغو تحریم‌ها و موضع دولت درباره بند مربوط به توقف پروتکل الحاقی چیست؟، گفت: اولاً آئین‌نامه اجرایی این قانون ابطال نشـــده است. این آئین‌نامه در چارچوب صلاحیت‌های هیئت وزیران و به موجب اصل ۱۳۸ قانون اساســـی تصویب شده است. اگر مواردی از آئین‌نامه‌ها با قانون مغایرت داشته باشد، مجلس برای بررسی بیشتر به دولت می‌فرستد. در این مورد هم آئین‌نامه توســـط هیئت تطبیق مجلس بررسی شده و ایراداتی که تشخیص دادند به دولت ارسال شده و دولت هم این موارد را اصلاح خواهد کرد.

وی گفت: دولـــت در مجموع این قانون را مفید نمی‌دانســـته اما اکنون آن را لازم‌الاجرا می‌داند. در اسفند ماه اگر شرایط مجلس محقق نشود، دولت ناگزیر است که قانون و بخشی از پروتکل الحاقی را اجرا کند. این پروتکل تاکنون به صورت داوطلبانه اجرا می‌شـــده است و ما ناچاریم درصورت عدم تحقق شرایط مدنظر قانون، آن را متوقف کنیم.

سخنگوی دولت گفت: امیدواریم دولت بعدی آمریکا با عمل به موقع به تعهدات خودش، ما را مجبور به اجرای این قانون قرار ندهد.

گفت و شنود

خط خطی!

گفت: آمریکا در تلفات و مبتلایان کرونا رکورد زده و سردخانه‌های انگلیس از اجســـاد قربانیان کرونا پر شـــده، بیش از ۲۵۰۰ پزشک متخصص هشدار داده‌اند که هرگز نباید از آمریکا و انگلیس واکسن بخریم.

گفتم: ولی چند تا پزشک مدعی اصلاحات که کارنامه کاری آنها بیشتر سیاسی است تا علمی، بیانیه داده‌اند و گفته‌اند خرید واکسن کرونا را سیاسی نکنید! منظورشان چیست؟!

گفت: ای عوام! منظورشـــان این اســـت که به‌خاطر تقابل ایران با آمریکا و انگلیس، خرید واکسن از این دو کشور را ممنوع نکنید!

گفتم: یعنی مثل آمریکا در تلفـــات رکورد بزنیم و مثل انگلیس سردخانه‌ها را از اجساد پُر کنیم؟!

گفت: خودشون متوجه هستند که چی میگن؟!

گفتم: چه عرض کنم، یارو اشـــتباهی نامه دوســـتش رو به جای نسخه به متصدی داروخانه داد، چند قلم دارو بهش داد و زیر یک ســـطر آن خط کشـــید و گفت؛ اینو نداریم از یک داروخونه دیگه بگیر!

کمالوندی:

زودتر از هشت ماه به ۱۲۰ کیلوگرم اورانیوم ۲۰ درصد می‌رسیم

سخنگوی سازمان انرژی اتمی با بیـــان اینکه مصوبه مجلس بـــرای تولیـــد ۱۲۰ کیلوگرم اورانیوم ۲۰ درصد برای ما به راحتی قابل تحقق اســـت، گفت: شاید زودتر از هشت ماه بتوانیم به این میزان برسیم.

بهروز کمالونـــدی، معاون و سخنگوی ســـازمان انرژی اتمی دوشنبه شب با حضور در برنامه جهان آرا ضمن گرامیداشت یاد و خاطره شهدای هسته‌ای درباره آغاز مجدد تولید غنی‌سازی ۲۰ درصد عنوان کرد: مجلس تصمیم گرفـــت تولید ۲۰ درصد از ســـر گرفته شود.

اگرچـــه در گام‌های کاهش تعهد این موضوع را داشـــتیم و وقتی عدد ۳.۶۷ را کنار گذاشتیم عملا می‌توانستیم تا ۲۰ درصد بالا برویم، ولی بنا به سیاســـت‌های دولت تصمیم گرفته شد در حدود ۴.۵ درصد تا ۵ درصد تولید کنیم که آن هـــم بالاتر از ۳/۶۷درصد بـــود و آن هم مواد اولیه امروز ما را تولید می‌کرد.

کمالوندی افزود: الان حدود چهار تن مواد اولیه داریم و مصوبه مجلس که حدود ۱۲۰ کیلوگرم ظرف یک ســـال تولید کنیم به راحتی برای ما قابل تحقق است. از زمانی که کار را شروع کردیم شاید زودتر از هشـــت ماه مقداری که قانون تعیین کرده به آن برسیم.

وی دربـــاره واکنش‌هـــا بـــه آغاز غنی‌سازی ۲۰درصد گفت: متاسفانه سیاه‌نمایی در ارتباط با برنامه هسته‌ای ایران از ابتدا بوده که نه به فعالیت‌های کشـــور ما بلکه به ذات تکنولوژی هسته‌ای برمی‌گردد.

وقتـــی می‌خواهید بـــه قله هسته‌ای برسید باید به قله‌های دیگـــر در حوزه‌هـــای فیزیک، شیمی، ریاضی و ســـیالات و ... برسید. وقتی توانایی‌های ایران را دیدند به سیاه‌نمایی شروع کردند که ایران به دنبال سلاح هسته‌ای و اهداف دیگر است و ۶ قطعنامه شـــورای امنیت، هفت قطعنامه شورای حکام و ۶ تا تصمیم نامه در شورای حکام داشتیم که حدود ۲۰ تا به نحوی قفل و بندی بود که فکر می‌کردند می‌توانند به این ترتیب صنعت هسته‌ای را کنترل می‌کنند.

ســـخنگوی ســـازمان انرژی اتمی همچنین درباره راکتور آب سنگین اراک بیان کرد: لوله‌هایی که در کلندریا بود و پیشـــنهاد از طرف ایران بود که در آن لوله‌ها سیمان ریخته شود، چون اطلاع داشـــتیم لوله‌های دیگر را داریم که عوض کنیـــم و اگر بخواهیم برگردانیم حدود دو ماه می‌توانیم راکتور قبلی را دوباره احیا کنیم.

کمالوندی درباره کارخانه آب سنگین اظهار داشت: الان کارخانه آب ســـنگین ما به خوبی تولید می‌کند و به هفت هشـــت کشور صادر می‌کنیم.

خبر ویژه

قدرت سخت سپاه کره جنوبی را سر عقل آورد

دولت کره جنوبی وقتی کوتاه آمد که قدرت سخت ایران را هم تجربه کرد.

روزنامه آفتاب یزد ضمن انتشار این تحلیل نوشت: پس از آنکه سئول تصمیم گرفـــت برخلاف قواعد و مقررات بین‌المللی، تحریم‌های آمریکا و ترامپ را اعمال کند و پول‌های ایران را بلوکه نماید تهران تلاش کرد با گفت‌وگو و دیپلماسی راه به جایی ببرد. به هر حال استدلال ایرانی‌ها صحیح بود. آنان می‌گفتند تحریم‌های کاخ سفید یکجانبه است و جنبه حقوقی ندارد اما کره‌ای‌ها از بیم ترامپ و تبعات تحریم‌های او، تصمیم گرفتند هر بار به مقامات ایرانی وعده ســـر خرمن دهند و در نهایت نیز رضایت ندادند پول‌هایی که تهران به شـــدت به آن نیاز داشت آزاد شود. این موضوع بدین معنی بود که دیپلماسی به بن‌بست رسیده و باید استراتژی جدیدی را اتخاذ نمود.

در کنار قدرت نرم، قدرت ســـخت لازم است. قدرت سخت ایران آنجا اعمال شد که نفتکش کره‌ای در خلیج فارس توقیف شد. تهران اعلام کرد براساس قانون و به جهت تخلفات مکرر محیط‌زیستی کره‌ای‌ها نفتکش توقیف شده است و باید به این تخلف از مجاری قانونی رسیدگی شود.

ســـئول به نیکـــی می‌داند در صورتی می‌تواند نفتکش خـــود را آزاد کند که دیپلماســـی را از بن‌بســـت خارج کند. اولین گام کره‌ای‌ها در این باب حضور یک مقام عالیرتبه وزارت خارجه این کشـــور در ایران بوده است. همتی، رئیس بانک مرکزی پس از گفت‌وگو با این مقام کره‌ای اظهار کرد که «به نظر می‌رسد سئول برای آزادســـازی پول‌ها جدی شده و بناست مقام کره‌ای به کشور خود بازگشته و با دســـت پر مجدداً به ایران برگردد برای حصول خواســـته‌های تهران.» طبعاً اگر ایران از قدرت ســـخت خود بهره نمی‌برد تا قیامت نیز کره‌ای‌ها حاضر نبودند پول کشـــورمان را آزاد کنند. آنان حالا هم بایـــد پول‌ها را آزاد کنند، هم جریمه شـــوند (باید ســـود پول‌ها پرداخت شـــود) و هم در دنیا اعلام نمایند که حداقل در این زمینه قدرت تهران بر ســـئول چربش داشـــته است. چه بسا این موضوع برای دیگران نیز درس عبرتی باشـــد تا بدانند تهران به دیپلماســـی اعتقاد راسخ دارد اما به شـــرطی که طرف‌ها آن را به بن‌بســـت نکشانند. یادآور می‌شود نیروی دریایی سپاه پاســـداران هفته گذشته یک نفتکش کره‌جنوبی را به خاطر رعایت نکردن پروتکل‌های زیســـت‌محیطی و آلوده کـــردن آب‌های ایران در تنگه هرمز توقیف کرد.

آقای تخت‌روانچی این واقعیت را به آقای نوبخت بگو

یـــک روزنامه اقتصادی، از عضو تیم مذاکره‌کننده برجام خواســـت واقعیت‌ها را به رئیس ســـازمان برنامه و بودجه اطلاع دهد تا از بودجه‌نویسی‌های غیرواقعی پرهیز کند.

در حالی که سازمان متبوع آقای نوبخت، پیش‌بینی فروش دوبرابر نفت در سال آینده را در لایحه بودجه کرده، روزنامه جهان صنعت نوشـــت: آقای تخت‌روانچی نماینده دائم ایران در سازمان ملل متحد شاید بیشتر از همه دیپلمات‌های ایرانی و حتی وزیران و اعضای کابینه با تحولات و رویکردها در آمریکا نسبت به ایران آشنا باشد زیرا او در جایی فعالیت می‌کند که مرکز گفت و شنودهای تغییرات سیاسی در آمریکاست. این دیپلمات بلندپایه به تازگی گفته «دولت‌های مختلف در آمریکا، چه دموکرات چه جمهوری‌خواه، سیاست‌های بین‌المللی‌شان تفاوت چندانی با هم ندارد. به‌طور مثال استفاده از ابزار تحریم علیه ایران در دولت‌های مختلف آمریکا، هم دموکرات و هم جمهوری‌خواه تداوم داشته است. آمریکا در طول سال‌های اخیر از ابزار تحریم استفاده کرده و این را ابزاری می‌داند که فکر می‌کند می‌تواند از آن برای امتیازگیری استفاده کند و به این روند نیز ادامه خواهد داد. به نظر می‌رسد دولت بایدن هم همیـــن رویکرد را ادامه خواهد داد. بنابراین اینکه بگوییم دولت جدید از ابزار تحریم دست می‌کشد، شاید قرین واقعیت نباشد.»

با خواندن این داوری دیپلمات ایرانی این پرسش پیش می‌آید که آیا در زمان بودجه‌بندی ســـال ۱۴۰۰ از سوی آقای نوبخت و همکارانش در سازمان برنامه و بودجه تحلیل وی را می‌دانستند یا نه؟ اگر مدیران ارشد سازمان بودجه‌ریزی کشور از این تحلیل اطلاع داشتند و همچنان بر صادرات ۲/۳ میلیون بشکه نفت در روز که به معنای حذف تحریم‌هاست درآمدهای ناشی از این صادرات را در دستور کار قرار دادند که بسیار رفتار تقلیل‌گرایانه‌ای است. چگونه است که وزیر امور خارجه، تحلیل و داوری آقای تخت‌روانچی را به دولت و به رییس سازمان برنامه و بودجه اطلاع نداده اســـت؟ می‌شود حدس زد که مدیران سازمان برنامه و بودجه تحلیل دیگری از جای دیگری داشـــته‌اند. در این صورت باید دید منبع تحلیل ســـازمان برنامه کیست یا کدام دستگاه است که آنها را به این نتیجه رسانده که می‌توانند روزی ۲/۳ میلیون بشکه در روز نفت صادر کنند. به نظر می‌رسد حالا که مجلس میزان صادرات نفت را ۸۰۰ هزار بشکه کاهش داده و آن را به ۱/۵ بشکه رسانده، باز هم با تحلیل تخت‌روانچی سازگاری ندارد.

ساختن بنای درآمدهای ریالی بودجه بر اساس تحلیل‌های غیرواقعی از تحولات سیاست خارجی و نیز دل بستن به اینکه بایدن می‌آید و تحریم‌ها برداشته می‌شود، برای کشور دردسرساز خواهد بود. مجلس و کمیسیون تلفیق و نیز سازمان برنامه و بودجه باید تحلیل‌های مشابه تحلیل تخت‌روانچی و نیز شرایط سیاست داخلی و تعارض طیف‌های درون‌گروهی سیاســـی ایران نســـبت به دولت تازه آمریکا را بگنجانند. اگر به تحلیل جامعی درباره مناسبات ایران و آمریکا نرسیم و بودجه را خوش‌خیالانه ببندیم روزگارمان روشن نخواهد بود.

فضاسازی حمله به ایران نشانه هرج و مرج در واشنگتن بود نه قدرت

یک رسانه سعودی می‌گوید: هیچ نشانه‌ای از نقشه آمریکا برای درگیری نظامی با ایران دیده نمی‌شود و آنچه از تحرکات ناوهای آمریکایی دیده شد، نشانه هرج و مرج در واشنگتن است، نه نشانه قدرت.

العرب با اشاره به فضاسازی رسانه‌ای هفته گذشته مبنی بر آماده شدن آمریکا در منطقه برای حمله به ایران نوشت: قبل از شروع سال میلادی جدید، پنتاگون بمب‌افکن‌هـــای بی۵۲ خود را به منطقه خلیج فارس اعزام کرد و در مقابل، ایران نه تنها اعلام کرد که غنی‌سازی اورانیوم را از سر گرفته، بلکه نفتکش کره جنوبی را نیز توقیف کرد.

در طول چند هفته، نگرانی‌هایی همزمان با اولین سالگرد ترور ژنرال سلیمانی، وجود داشت و واشنگتن برای مقابله با این تهدید، در حالت آماده‌باش قرار گرفته بود. با اینکه به‌نظر نمی‌رســـد افزایش غنی‌سازی اورانیوم از سوی ایران یا توقیف نفتکش کره جنوبی ارتباطی با ترور سردار سلیمانی داشته باشد، اما این دو اقدام باعث بالا گرفتن تنش‌ها در منطقه شد.

اما تحلیلگرانی نظیر متیو لی، رابرت بیرنز و لولیتا ســـی بالدور، در گزارشـــی برای آسوشیتدپرس تأکید کردند که هیچ نشانی از نقشه ایالات متحده برای حمله به ایران وجود ندارد. به‌نظر می‌رســـد سناریویی که باعث نگرانی مسئولان نظامی آمریکا شده، شروع حمله از سوی ایران باشد، چه در داخل عراق و چه در هر مکان دیگری در منطقه خلیج فارس.

به گزارش «انتخاب» در ادامه این تحلیل آمده اســـت: در این میان، موضوع خـــروج ناو آمریکایی نیمیتز از خلیج فارس، هفته‌ها روی میز بود و قرار بود که با پایان ســـال گذشته این ناو به ایالات متحده بازگردد، اما این خروج برای پوشش دادن و حمایت از عملیات عقب‌نشـــینی نیروهای آمریکایی از افغانستان، عراق و سومالی، تمدید شد.

همزمان با افزایش تنش‌ها با ایران، در نیمه دسامبر گذشته، فرماندهی مرکزی تصمیم به باقی ماندن نیمیتز در مکانی نزدیک گرفت و به جای آن، میلر در روزهای آخر سال ۲۰۲۰ اعلام کرد که ناو به ایالات متحده بازگردد، اما سه روز بعد، تصمیم بر آن شد که نیمیتز در خلیج فارس بماند.

فیبین نارانگ، استاد علوم سیاسی در اندیشکده تکنولوژی ماساچوست تردید مقامات در این‌باره را نشـــان‌دهنده شـــکل جدیدی از اشـــکال بازدارندگی یعنی بازدارندگی افسارگسیخته دانست.

این پژوهشـــگر آمریکایی معتقد است ماندن نیمیتز در خلیج فارس به جای آنکه نشـــان‌دهنده قدرت باشد، نشان‌دهنده اشاره اشتباهی است مبنی بر هرج و مرجی که در حال حاضر در واشنگتن حاکم است، تا حدی که زمان فعلی بهترین زمان برای اقدام دشمنان علیه ایالات متحده است. به عقیده نارانگ احتمال اینکه ایالات متحده عملیات نظامی انجام دهد، ضعیف است.

منافق مدعی روشنفکری دینی نقاب از چهره انداخت

روزنامه زنجیره‌ای اعتماد با اشاره به مواضع اخیر عبدالکریم سروش گفت که وی با وجود ادعای «روشنفکری دینی، با دین» وداع کرده است.

روزنامه اعتماد با بیان این که «روشنفکری دینی» ادعایی سروش و هم‌طیفانش پله‌پله تا ســـقوط رفته و به بن‌بست رســـیده، تصریح کرد این طیف دیگر دغدغه دین ندارند.

سروش و هم‌طیفانش در حلقه کیان، با نقاب روشنفکری دینی سعی داشتند تحریـــف و تجدیدنظرطلبی در محتوای دین را پای دین و قرائت‌های جدید از آن بگذارنـــد و متـــن تخطئه محتوای دین در حوزه احکام و تقابلش با مســـتکبران و مفسدان، دین مجعول را به عنوان اسلام رحمانی جا بزنند؛ اما حالا سروش می‌گوید اســـلام ادعایی آنها واقعیت نداشته است. در واقع او اعتراف می‌کند که جعلیاتی را می‌خواسته به نام دین جا بزند.

اعتماد درباره این اتفاق می‌نویســـد: عمری در این خیالِ خام و هوسِ بی‌ثمر طی شد تا کم‌وبیش روشن شد که «شیر و شکر»ی در کار نیست بلکه در بهترین حالت در تمام این سال‌ها با همان «آبغوره فلزی» سروکار داشته‌ایم که در تمثیل مخالفانِ سکولارِ روشنفکری دینی به آن اشاره می‌شد. دکتر سروش البته همیشه با دست پر با منتقدان سنتی و مدرن خود درمی‌افتاد. اما با این وجود او نتوانست از پس انسداد نهایی این پروژه برآید و سخنان اخیرش، اذعان صریحی بود بر شکست کامل پروژه روشنفکری‌شان تحت عنوان «روشنفکری دینی».

اما به نظر می‌رسد در طول یکی، دو دهه اخیر آنقدر این پروژه مورد استحاله قرار گرفته و آنقدر از بخش دینی آن به نفع بخش روشـــنفکری‌اش زده شـــد که حقیقتا مشخص نیست بر چه اساس بتوان همچنان ادعا کرد این نوع از روشنفکری همچنان دینی است.

هر چند معمار این بنا، مهندســـی زبردست بود اما تناقضات درونی این پروژه، نهایتا کار را یکســـره کرد و با امواج تخریبی خود نه تنها بنا را به ویرانی انداخت بلکه حتی معمار محتشم و مجرب آن را نیز در این شکست با خود همراه کرد.

دکتر سروش ابتدا با تکیه بر «خاتمیت» و درک اقبالی از این مفهوم، مرجعیت دینی ائمه شـــیعه را زیر ســـوال برد و در این اواخر هم از وحی چیزی نماند جز رویاهای محمد(ص)!

نویسنده می‌افزاید: با انتشار پارت دوم سخنرانی‌شان در کمال شگفتی دیدیم که فرموده‌اند بله پیامبر اسلام «اقتدارگرا» بودند و در این راه از خشونت هم پرهیز نداشـــتند و اساســـا اقتدارگرایی و خشونت در ذات اسلام است نه حتی بالعرض! و از همه اینها مهم‌تر اینکه «ما نباید پیامبری کنیم»! و این پیامبری نکردن به نظر نمی‌رســـد معنایی جز این داشته باشد که باید ســـنت رسول خدا را یکسره کنار گذاشت. تکلیف امامت و قرآن هم که پیش از این روشن شده بود.

اما آنچه از همه بیشـــتر در این سخنرانی اخیر مهم به نظر می‌رسید، پارادایم شیفتی است که این بار به صورت واضح در اظهارات ایشان خودنمایی کرد. در پارت دوم جلسه مذکور دو نفر با دو ادبیات متفاوت و هر کدام از دو موضع کاملا مختلف، هوشمندانه سوالی را از دکتر سروش پرسیدند که در جواب هر دو سوال ایشان یک نکته را گفتند هر چند با دو ادبیات متفاوت؛ اول در کمال صراحت گفت: شاید یک وقت دیگری هم به این نتیجه برسیم که کل اسلام را باید کنار بگذاریم! که کل آن (اسلام) را باید کنار بگذاریم! آنچه از این جواب‌ها به نظر می‌رسد، بی‌تفاوتی محض سروش نسبت به اصل دین است.

چطور می‌توان جریانی را همچنان دینی دانســـت که دیروز خود را مشروط و ملزم به باورهای دینی می‌دانست و می‌گفت:«البته روشنفکر دینی بودن التزام به عقاید دینی را هم لازم دارد.» و امروز کمترین دغدغه‌ای برای حفظ اصل و اساس آن هم ندارد؟! اما نکته دیگری که نباید از آن گذشت سرانجام نامیمون، نامبارک و ناموفق روشنفکری دینی است. اظهارات اخیر دکتر سروش نه به نفی دین از جامعه خواهد انجامید و نه در به حاشیه راندن گفتمان دینی نقش چندانی خواهد داشت. بلکه تنها ثمره آن، این خواهد